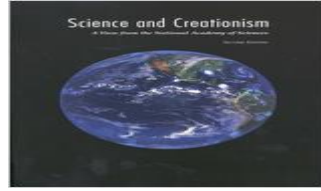


روشنگری



علم وافرینش گرایی

بقلم: **مرک کینان** (Mark Keenan)

منبع و تاریخ نشر: **گلوبال ریسرچ** «2023-07-24»

برگردان: **پوهندوی دوکتور سیدجسام «مل»** .

آیا سیکالوژی «psychiatry» علم جعلی است؟

Is Psychiatry “Fake Science”?

استرس و مسائل به اصطلاح سلامت روان در حالت
«همه‌گیری» بوده است؟

Stress and so – called mental health issues have been in
'pandemic' mode?



قبل از همه لازم پنداشته میشود تا بدانیم که استرس یا تشویش چیست؛ آنچه که سازمان صحتی جهان استرس را تعریف نموده چنین است:

استرس را می توان به عنوان حالتی از نگرانی یا تنش روانی ناشی از یک موقعیت دشوار تعریف کرد. استرس یک واکنش طبیعی انسان است که ما را به مقابله با چالش ها و تهدیدهای زندگی مان ترغیب می کند. همه افراد تا حدودی استرس را تجربه می کنند. با این حال، روشی که ما به استرس واکنش نشان می دهیم، تفاوت زیادی در رفاه کلی ما ایجاد می کند.

با روایت های بی پایان ترس آفرین رسانه های جمعی متعلق به شرکت ها در رابطه با تغییرات آب و هوایی فاجعه بار ناشی از CO2؛ همه گیری با ویروس؛ جنگ هسته ای؛ یا هر چیز دیگری که آنها می توانند و یا بتوانند برای لرزیدن وجود ما در زیر ملحفه های یا لحاف ها باعث شوند. آیا جای تعجب است که استرس و به اصطلاح مسائل مربوط به سلامت روان «صحت دماغی» در حالت "همه گیری" بوده است؟ راه حل امروزی برای چنین مشکلاتی این است که به طبیب معالج خود باید مراجعه کنید، تا که او برخی «قرص های زیست دارویی» را تجویز می کند یعنی دواهای را که احتمالاً مواد تشکیل دهنده واقعی آنها «دواهای تجویز شده را» رانمی داند. اگر قرص ها نگرانی های شما را برطرف نکنند، پزشک یا طبیب شما با خوشحالی شما را به «خدمات سلامت روان = دوکتور معالج صحت دماغی و روانی» می فرستد، جایی که یک روان شناس یا روان پزشک استرس یا تشویش شما را تشخیص داده و تمام «کمک های دارویی» مورد نیازتان را ارائه یا بشما تجویز می کند. این فرآیند "پاپ یک قرص = مصرف منظم قرص ها، به ویژه قرص های بی که حاوی داروی غیرقانونی هستند:" در جامعه مدرن ریشه دوانده است.

حتی بسیاری از دانش آموزان و شاگردان امروزی از قرص های کنترل رفتار «روش ویا = behaviour» یا داروهای ضد افسردگی استفاده می کنند. خدا نکند که فرزندان شما قادر به نمایش رفتار عادی و پیرانرژی بازی و روند نورمال کسب اطلاعات نباشند یا که بگونه طبعی به کسب اطلاعات دسترسی نداشته باشند. حالا قرار است که رفتار بچه های ما همانند ماشین های مطیع تکنوکراسی نظم نوین جهانی باشند. سر کلاس بنشینند و مزخرفات بیا موزند و ندانند که دی اکسید کربن سیاره را می کشد، علم جعلی و تاریخ جعلی را بیذ بزند، و اینکه ما باید واکسینه شویم تا از «بیماری همه گیر» بعدی جان سالم به در ببریم که نادرستی ندانستن چنین اطلاعات به معنی کودک آزاری است.

کتاب علم جعلی بی خدا و مقاله قبلی علم جعلی بی خدا نشان می دهد که بسیاری از روایت های علمی که از دوران تحصیل به بعد به ما آموزش داده شده است، مبتنی بر دروغ است، و خود نهادی محتوی "علم" از بسیاری جهات توسط آن آموزگاران ربوده شده است. از اینکه آنها به دنبال منافع مالی و پیشبرد روایت و دستور کار خود هستند. این

مقاله این سوال را مطرح میکند که آیا روان یا دوکتوران صحت دماغی و روانی مدرن در دسته و یادری علم جعلی قرار دارند؟

«روان» به معنای «روح» است بنابراین، رشته روانشناسی باید واقعاً شامل مطالعه یا «علم روح» باشد نسخه های اصلی (و نه تغییر یافته) متون مقدس باستانی جهان قبلاً علم روح را با جزئیات بسیار زیدخل آن شرح داده است بر خلاف این حکمت باستانی برای رفاه انسان، روانشناسی و روانپزشکی امروزی در برنامه های سودآوری و فشار بردار و شرکت های زیست دارویی غوطه ورا س به نظر من روانپزشکی یا سیکالوژستان مدرن امروزی بیشتر به سود شرکت و کنترل رفتار مربوط می شود تا علم واقعی یا سلامت روان واقعی .

واقعیت این است که هیچ آزمایش طبی برای هر به اصطلاح "اختلال روانی" وجود ندارد . روانپزشکان، پزشکان و روانشناسان در سراسر جهان داروهای مختلفی را بر اساس علائم مشابه تجویز می کنند . که این خود یک روش غیر علمی است .

نمونه ای از تأثیر بالقوه مضر این ذهنیت چند سال پیش برای من بازگو یا نمایان شد، زمانی که اتفاقاً با مردی کاملاً باهوش آشنا شدم که به عنوان دانشمند برای یک سازمان دولتی دولت ایرلند کار می کرد . این مرد بر خلاف میل خود به دلیل نظریک پزشک یادوکتور معالج خانواده در شرایطی که ممکن با او مشاجره صورت گرفته بود بازداشت شده بود و به عنوان بیمار غیر عمد به یک آسایشگاه روانی منتقل شده بود . او برخی از وحشت های این تجربه را برای من تعریف کرد و اینکه در حین بازداشت ، داروهای دارویی به او داده می شد که نمی خواست مصرف کند . توجه داشته باشید که همه این داروها دارای عوارض جانبی بالقوه ای بودند که می توانند دارای تأثیرات خفیف یا جدی باشند . بنابراین، نظریک پزشک مبنی بر اینکه شما بیمار روانی هستید می تواند عواقب عمده ای داشته باشد .

این مرد بعداً در مورد تجربه وحشتناک خود در یک تحلیل بسیار انتقادی از روانپزشکی ایرلندی نوشت . مقاله او توسط روزنامه ایرلندی تا یمز با عنوان تشخیص روانپزشکی نه علمی بلکه ذهنی منتشر شد . وی خاطر نشان کرد: که تشخیص های روحی روانی مبتنی بر تفسیر ذهنی از رفتار توسط اشخاص ثالث است . سپس فرد به عنوان یک "شیء یا موجود معیوب" با عدم تعادل شیمیایی که به نوع خاصی از قرص نیاز دارد، دیده می شود . این تشخیص می تواند تأثیر بسیار غیر انسانی بر فردی داشته باشد ، یعنی همراه با یک انگ [انگ یک نگرش یا ایده منفی در مورد یک ویژگی ذهنی، جسمی یا اجتماعی یک فرد یا گروهی از افراد است .1 این به معنای عدم تابید اجتماعی است . انگ ها یک نگرانی عمده هستند زیرا می توانند منجر به اثرات منفی مانند تبعیض شوند.] یک بیماری

روانی که در واقع هیچ مبنای علمی مرتبط با آن ندارد. بلکه این فرد به آنچه این "متخصصان" می‌گویند به گفته‌ای شان باور می‌کند.

بدتر از آن، اگر «تصور شود» که فرزندان شما از یک اختلال روانی رنج می‌برند، یعنی از یک نظم «سیستم» که می‌تواند آنها را از بین ببرد، به یا دداشت پایدانی [ii] مراجعه کنید. یک روانپزشک تصمیم می‌گیرد که آیا فرزند شما بیمار روانی است یا خیر. به عنوان مثال، پورتال اطلاعات شهروندان ایرلندی می‌گوید: «اگر بیمار داوطلبانه کودک باشد و والدین یا قیم بخواهند اورا حذف و یا از خود دورکنند یا که اورا از خود برانند متخصص ممکن است کودک را گرفته و در اختیار اداره خدمات بهداشتی درمانی قرار دهد و آنهم (اگر متخصص تشخیص دهد که کودک از اختلال روانی رنج می‌برد)».

نقل قولهای آشکار درباره سیکالوژی و سیستم طبقه بندی بحث برانگیز DSM-IV [راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، تالیف شماره پنج]

[Revealing Quotes About Psychiatry and the Controversial DSM-IV Classification System]

نقل قول‌های زیر که به راحتی به صورت آنلاین به دست می‌آیند، از سوی دانشگاهیان، روان‌پزشکان، معلمان روان‌شناسی و پزشکان هستند که محکومیت قابل توجهی از روان‌پزشکی «سیکالوژی» امروزی را ارائه می‌کنند.

[توجه: کدهای DSM-IV طبقه بندی موجود در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی هستند]

«هیچ آزمایش عینی در روانپزشکی وجود ندارد - بدون اشعه ایکس، آزمایشگاه یا یافته‌های معاینه که به طور قطع بگوید که فردی دارای اختلال روانی است یا که اختلال ندارد.... هیچ تعریفی از اختلال روانی وجود ندارد... گان و نراست - منظورم این است که شما نمی‌توانید آن را تعریف کنید - "آلن فرانسیس، روانپزشک و رئیس سابق گروه ویژه DSM-IV" چیزی ساختگی است که بر اساس آن سیکالوژی به طور کلی به دنبال پذیرش توسط پزشکی است. خودی‌ها می‌دانند که این بیشتر یک سند سیاسی است تا علمی DSM-IV... به کتاب مقدس و پرفروش‌ترین کتاب پول‌ساز تبدیل شده است.»

"این علم نیست این سیاست و اقتصاد است یعنی که روان پزشکی: سیاست و اقتصاد است. کنترل رفتار، علم نیست، طبابت نیست" گفته ای توماس ساسز استاد بازنشسته روانپزشکی.

"هر کسی که به سلامت روان علاقه مند است باید حداقل از نقد **سزازیان** Szaszian سیکالوژست امریکایی - هنگری» از صنعت سلامت روان آگاه باشد... طبابت یک علم واقعی است که با پدیده های بیولوژیکی، به ویژه آسیب شناسی سلولی سروکار دارد... اکنون به DSM نگاهی بیندازید و بلافاصله متوجه خواهید شد که DSM اصلاً مبتنی بر آسیب شناسی سلولی نیست... در بسیاری از شرایط، توضیحات ارگانیک باید رد شود تا تشخیص DSM داده شود... برای Szasz بسیار مهم این است که انتساب بیماری در روانپزشکان و سایرین مشروعیت پیدا کند. متخصصان سلامت روان قدرت کنترل اجتماعی با برچسب زدن به دیگران به عنوان «بیمار»، می توانیم آنها را قفل کنیم، به زور مواد مخدر را به آنها تحمیل کنیم، و آنها را از افراد «عادی» مثل ما جدا کنیم، زیرا اساساً مشکلی در آنها وجود دارد. و ما می توانیم همه آنها را به نام علم توجیه کنیم. اما در واقع موضوع کنترل اجتماعی است. صنعت سلامت روان برای مشروعیت بخشیدن و تغذیه خود بیماری ها را تولید می کند و از طریق کنترل اجتماعی منحرفان به صاحبان قدرت خدمت می کند. به گفته Szasz، علم بیماری روانی تماماً استعاره است و امپراتور لباس ندارد. در حالی که ممکن است امپراتور کاملاً برهنه نباشد، به نظر من او اغلب به قلدرهای خود دل بسته است - «گرگ هنریکس، دکتر، برنامه دکتری ترکیبی روانشناسی بالینی و مدرسه ای را در دانشگاه جیمز مدیسون هدایت می کند»

در حقیقت، تشخیص روانپزشکی «یا طبابت روانی» نوعی پروفایل یا «یک عمل بیرون یابی اطلاعات» معنوی است که می تواند زندگی ها را از بین ببرد و اغلب این کار را انجام می دهد - "پیتز برگین، روانپزشک....."

روانپزشکی مدرن هنوز به طور قانع کننده ای دلیل ژنتیکی/بیولوژیکی هر بیماری روانی را ثابت نکرده است... علیرغم این واقعیت که هیچ آزمایشی برای حمایت از چنین ادعایی وجود ندارد، که بیماران مبتلایان طبعی به "عدم تعادل شیمیایی" تشخیص داده شده اند، و.. یعنی که در افراد مبتلا به یک مرض عدم تعادل مواد شیمیایی و یا تغییرات بیولوژیکی دیده میشود که در بیماران صحت دماغی این تغییرات دیده نمیشود. هیچ واقعی وجود ندارد. تصور از اینکه تعادل شیمیایی صحیح چگونه به نظر می رسد - **دکتر دیوید کایزر، روانپزشک** «.

در بیماری بیماران روانپزشکی هیچ عدم تعادل بیولوژیکی وجود ندارد. وقتی مردم به من مراجعه می کنند و می گویند: «من یک عدم تعادل بیوشیمیایی دارم»، سپس من می گویم: «تست های آزمایشگاهی خود را به من نشان دهید.» در حالیکه او هیچ آزمایش لایبراتور بدست ندارد. بنابراین عدم تعادل بیوشیمیایی چیست؟ **دکتر ران لیفر، روانپزشک**.

تقریباً هر کسی در هر زمان معینی می تواند معیارهای اختلال دوقطبی یا ADHD را برآورده کند. هر کسی. و مشکل این است که هر کسی حتی با یکی از این «بیماری ها»

تشخیص داده می‌شود، دستگاه پخش‌کننده قرص «فابریکات دارو سازی و تجویزگران این داروها» را تحریک می‌کند - «**دکتر استفان کروشفسکی، روانپزشک**» .

هیچ رفتار یا رفتار نادرست بیماری نیست یا نمی‌تواند بیماری باشد. بیماری‌ها این نیست بیماری‌ها اختلال در عملکرد بدن انسان، قلب، کبد، کلیه و مغز هستند تب حصبه یک بیماری است تب بهاری بیماری نیست این یک شکل گفتاری است، یک بیماری استعاری. همه بیماری‌های روانی بیماری‌های استعاری هستند که به اشتباه به عنوان بیماری‌های واقعی معرفی می‌شوند و با بیماری‌های واقعی اشتباه می‌شوند - **توماس ساسز، استاد بازنشسته روانپزشکی، که بیشتر به خاطر ابداع اصطلاح «افسانه بیماری روانی» شهرت دارد** .

به طنز اجباری به ذهن رسید که روانپزشکی «دکتر معالج امراض خودساخته روانی» به معنای واقعی کلمه ذهن خود را از دست داده است، و همراه با آن ذهن بیماری را که احتمالاً باید از آنها مراقبت کنند نیز مشوش می‌کند. - «**دیوید کایزر، روانپزشک** همه روانپزشکان وجه مشترکی دارند که وقتی در دوربین یا میکروفون دستگیر می‌شوند، خفه می‌شوند و اعتراف می‌کنند که هیچ چیز مانند عدم تعادل شیمیایی/بیماری یا معاینه یا آزمایش برای آنها وجود ندارد. کاری که آنها در عمل انجام می‌دهند، دروغگویی در هر مورد، لغو [لغو] حق رضایت آگاهانه هر بیمار و مسموم کردن آنها به نام «درمان» چیزی جز جنایت نیست.» - **دکتر فرد باگمن جونیور، متخصص مغز و اعصاب اطفال** .

روانپزشکی ادعاهای اثبات نشده ای دارد مبنی بر اینکه افسردگی، بیماری دوقطبی، اضطراب، اعتیاد به الکل و مجموعه ای از اختلالات دیگر در واقع اساساً منشأ بیولوژیکی و احتمالاً ژنتیکی دارند. این نوع ایمان به علم و پیشرفت، خیره کننده است، نه ساده لوحانه و شاید توهم - «**دکتر دیوید کایزر، روانپزشک**»

به طور خلاصه، کل کار ایجاد دسته‌های روانپزشکی «بیماری»، رسمی کردن آنها با اجماع، و متعاقباً نسبت دادن کدهای تشخیصی به آنها، که به نوبه خود منجر به استفاده از آنها برای صورت حساب بیمه می‌شود، چیزی نیست جز یک راکت گسترده که روانپزشکی را یک شبه ارائه می‌کند. - **دکتر توماس دورمن، متخصص داخلی و عضو کالج سلطنتی پزشکان بریتانیا** .

من معتقدم تا زمانی که خود مردم و روانپزشکی نبینند که برچسب‌های DSM نه تنها به عنوان «تشخیص‌های» پزشکی بی‌فایده هستند، بلکه می‌توانند آسیب‌های بزرگی را وارد کنند - به ویژه زمانی که از آنها به عنوان ابزاری برای انکار آزادی‌های فردی یا به عنوان سلاح توسط روان‌پزشکان استفاده می‌شود. به عنوان اسلحه اجیر شده برای سیستم حقوقی عمل می‌کند - «**دکتر سیدنی واکر سوم، روانپزشک**» .

نحوه ورود همه چیز به DSM بر اساس آزمایش خون یا اسکن مغز یا یافته های فیزیکی نیست بر اساس توصیف رفتار است. و این همان چیزی است که کل سیستم روانپزشکی است.» - **دکتر کالین راس، روانپزشک**.

هیچ نشانه نگر بیوشیمیایی، عصبی، یا ژنتیکی برای اختلال کمبود توجه، اختلال نافرمانی مخالف، افسردگی، اسکیزوفرنی، اضطراب، سوء مصرف اجباری الکل و مواد مخدر، پر خوری، قمار یا هر بیماری به اصطلاح روانی، بیماری یا اختلال دیگری یافت نشده است - **» بروس لوین، دکتر، روانشناس و نویسنده شورش عام** «

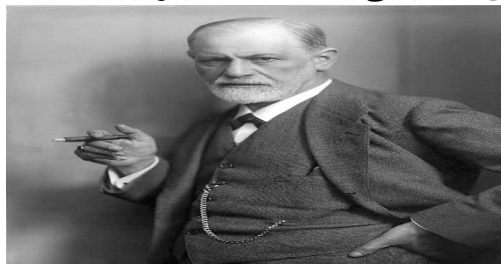
برخلاف تشخیص های پزشکی که علت احتمالی، درمان مناسب و پیش آگهی احتمالی را بیان می کنند، اختلالات فهرست شده در [DSM-IV و ICD-10 اصطلاحاتی هستند که از طریق اجماع همتایان به دست می آیند.] - **دکتر تانا دینین، روان شناس**.

هر چه تعداد مراکز درمانی بیشتر باشد و هرچه بیشتر شناخته شوند، تعداد افرادی که به دنبال خدمات آنها هستند بیشتر می شود. روان درمانی تنها شکل درمانی است که به نظر می رسد تا حدودی بیماری را ایجاد می کند - **دکتر جروم فرانک از دانشکده پزشکی دانشگاه جانز هاپکینز در بالتیمور** «

روان پزشکی و روان شناسی پردرآمدترین حرفه ها در آمریکا هستند، و در میان تمام متخصصان، بیشترین میزان خودکشی در میان روان پزشکان و روان شناسان دیده می شود.» - **چایتانیا چاران داس، نویسنده**.

آیا روانشناس زیگموند فروید یک کلاهبردار بود؟

«کل سیستم تفکر روانکاوی کلاسیک بر چیزی اساسی تر از سخن فروید مبنی بر درست بودن آن نیست. {یعنی که فروید از نظر علمی برای درست بودن کلمه یا سخن خود کدام استدلال منطقی و یا منطقی ندارد} و به همین دلیل است که داکتر نوبلیست فقید، **سرپیتر مدوار**، آن سیستم را به عنوان یک ترفند شگفت انگیز اعتماد به نفس محکوم کرد.» - **فردریک کروس**، استاد بازنشسته زبان انگلیسی، دانشگاه کالیفرنیا.



زیگموند فروید

اجازه دهید کار روانشناس معروف یهودی، زیگموند فروید (1856-1939) را در نظر بگیریم که موضوعات بیشتر روانپزشکی و روانکاوی امروزی بر آن استوار است. ایده های

او تأثیر قابل توجهی بر جامعه مدرن داشته است. **فروید** در نوشته‌های خود به اشتیاق و یا به تمایل جنسی قطعی نسبت به مادرش اعتراف می‌کند و به همین دلیل تصور می‌کرد که همه مردان چنین می‌کنند. این قطعه {گفته‌ای} غیر علمی انحراف **فرویدی** به حدی ترویج شد که در روانشناسی امروزی گنجانده شد. چرا تمام جهان باید این نظریه را بر اساس اعتراف فروید به وضعیت منحرف خود بپذیرند؟ در طول تاریخ بشر، چنین افکاری توسط جامعه سنتی به عنوان مضحک و از نظر اخلاقی غیرقابل قبول در نظر گرفته شده است، اما برای فروید کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید. فروید گفت:

من در مورد خودم نیز پدیده‌های عشق و محبت مادرم و حسادت به پدرم را یافته‌ام که اکنون آن را یک رویداد جهانی می‌دانم ...

تصور **فروید** غیر علمی است و شواهدی ندارد، با این حال کل بقیه جهان در تصویر روانشناسی **فرویدی** ترسیم شده است. **فروید** همچنین اظهار داشت که اگر افراد با هر دو جنس رابطه جنسی داشته باشند، عمل بهتری است. مضحک اینکه باز هم، این گفته‌ای اوبدون هیچ مدرکی تا بید شد. این قابل تذکر است که در واقع، بسیاری از دانشمندان و دانشگاهیان مشروعیت روانکاوی **فرویدی** را زیر سوال برده‌اند، به عنوان مثال، **فرانک ال سیوفی** از دانشگاه پرینستون نویسنده کتاب فروید و پرسش شبه علم. در زیر نظرات افشاگرانه در مورد فروید توسط دانشگاهیان پرکار و شخصیت‌های برجسته آمده است:»

او [فروید] در طول سال‌ها یک مصرف‌کننده مشتاق [کوکائین] بود، تا جایی که بینی‌اش خونریزی کرد و پر از چرک شد - که با کوکائین بیشتری درمان می‌کرد... دوست **فروید**، **ارنست فون فلیشل مارکزوف** (1846-1891) تبدیل شده بود معتاد ناامید پس از اینکه فروید کوکائین را به عنوان دارو برای تومور دردناک دست تجویز کرد. شکی نیست که اعتیاد باعث مرگ زودهنگام او شد... اختلالات عصبی فرویدز آشکار شد از اینکه او خود را در الگوهای رفتاری غیرعادی و در بیماری‌های روان‌تنی - به ویژه آنهایی که دهان، اندام تناسلی و مقعد را تحت تأثیر قرار می‌دهند... بیشتر اوقات او به طور مزمن افسرده و بدخلق بود - دیوید مک کالدن (1951-1991)، نویسنده:

هیچ کس هنوز اثرات توهم‌آمیز کوکائین را در ذهن فروید در طول سال‌های شکل‌گیری روانکاوی ارزیابی نکرده است.

آیا **فروید** بدون کوکائین می‌توانست چنین پروازهای غیرمحمتملی از خیال انسان ایجاد کند؟ - «**مارتین ال. گراس**، نویسنده و دانشیار سابق علوم اجتماعی در دانشگاه نیویورک. **سوفی فروید**، نوه **زیگموند فروید**، دکتر از مدرسه رفاه اجتماعی فلورانس هلر، « [درباره نظریه فروید] «فکر می‌کنم این یک اغراض خودشیفته‌ای است که نمی‌توانم آن را باور کنم».

دکتر زیگموند فروید یکی از عوامل اصلی گرایش امروزی به پذیرش و تشویق همجنس‌گرایی است... به عبارت دیگر، همجنس‌گرایی را دیگر نمی‌توان شکل غیرقانونی فسق یا انحراف تلقی کرد که در آن فرد با میل و میل با فردی از جنس خود درگیر می‌شود.

دکتر تیم لاهی، { Dr. Tim LaHaye } نویسنده ولادیمیر ناباکوف (1899-1977)، رمان نویس، منتقد، از یک خانواده اشرافی روسی، " من یک آقا مسن از وین را نمی‌خواهم با چتری که روی‌هایش را بر من تحمیل کند." [باور فرویدی و روانکاوی] هرگز علم نبودند **فروید** یک مد بود و پس از آن بی‌مد و کاملاً پوچ شد. دکترای سونوشمداسانی مورخ روانشناسی و همکار پژوهشی دانشگاه UCL .

برای من، روانکاوی یک فریب است – بزرگترین حقه‌کاری که تا به حال در مورد بشریت انجام شده است. با نشان دادن اینکه تحلیلگران چه کسانی هستند، چگونه کار می‌کنند، چه اعتقادی دارند و چه کاری انجام داده‌اند، امیدوارم **فروید** را یک کلاهبردار نشان دهم. اگر موفق شوم، آنقدر آرمان‌گرا هستم که امیدوار باشم جهان به عشق، آرمان‌ها، سلیقه خوب و ادب بازگردد - کتاب‌هایی که توسط تفتیش عقاید **فرویدی** سوزانده شده‌اند - **ادوارد آر پینکنی**.

داستان‌های اغواگری که مبنای تجربی پیشنهادی عقده **ادیپی** [پسر لایوس و یوکاستا که در تحقق یک فحش ناخودآگاه پدرش را می‌کشد و با مادرش ازدواج می‌کند. **تفصیل توسط این قلم**] را ارائه می‌دهند، در واقع ساختی از فروید بود که سپس ناراحتی بیمارانش را از شنیدن ساخت‌هایش به عنوان تأیید تفسیر کرد. فروید سپس به طرز فریبنده‌ای این واقعیت را پنهان کرد که داستان‌های بیمارانش با زسازی و تفسیری بر اساس نظریه پیشینی او هستند. او همچنین هویت اغواگران خیال‌باخته را از اعضای غیر خانواده (خدمت‌ها و غیره) تغییر داد، زمانی که داستان ادیپی او به جای پدران نیاز داشت... آنچه که به عنوان حدس و گمان نیاز به حمایت تجربی آغاز شد، به یک فرض اساسی و پیشینی ختم شد.

اکنون 100 سال پس از شروع آن، نظریه عقده ادیپی، تمایلات جنسی در دوران کودکی و علت‌شناسی جنسی روان‌رنجورها بدون هیچ‌گونه اعتبار تجربی مستقل باقی مانده است. این ایده که کودکان کشش جنسی خاصی نسبت به والد جنس مخالف خود داشته باشند، بسیار غیرقابل قبول است... فروید بیش از حد ارزش‌گذاری شده‌ترین شخصیت در کل تاریخ علم و پزشکی بوده است، کسی که از طریق انتشار علل نادرست، تشخیص‌های اشتباه، آسیب‌های زیادی به بار آورده است. و خطوط بی‌ثمر تحقیق... روانکاوی پاسخ‌های زیادی دارد... از زمان پیدایش، روانکاوی به عنوان یک شبه علم تقبیح شده است.

در اوایل دهه 1960، فیلسوفان علم مانند مایکل پولانی، کارل پوپر، ارنست ناگل و سید نی هوک به ماهیت خود-اعتباری ادعاهای روانکاوانه اشاره کرده بودند. اخیراً، گزارش های بسیار انتقادی از روانکاوی از هانری النبرگر (1970)، فرانک سولووی (1979/1992)، آدولف گرونباوم (1984)، فرانک سیوفی (1969، 1970، 1972)، و اخیراً، مالکوم مک میلان (1991) ظاهر شده است - .

پروفسور کوین مک دونالد دکتری، گروه روانشناسی CSU-Long Beach

آنها در حال ترجمه فلسفه **فروید**، تمدن خوک هستند - سریلا پرابهوپادا، رهبر معنوی مشهور و محقق ودایی "

من فکر می کنم که **زیگموند فروید** در درون خود درگیری های جنسی داشت که او آنها را حل نکرد برای مثال، اعتقاد او به دوجنس گرایی مشروطه، بهانه ای برای برخی ویژگی های شخصی بود. - «دکتر هارولد ام واث، روانپزشک فرویدی در بنیاد میننگر "

من کمی جنبه زنانه را در رفتار و حرکات او احساس کردم ". منتقدان مدرن پیشنهاد می کنند که فرویدی های امروزی تحت تأثیر «احساسات زنانه و منفعلانه» فروید هستند تا جایی که «قاطعیت و پرخاشگری مردانه را به عنوان یک تجلی روان رنجور در نظر می گیرند - . «ارنست جونز، زندگی نامه نویس فروید "

هنوز هیچ کس اثرات توهم آمیز کوکائین را در ذهن **فروید** در طول سال های شکل گیری روانکاوی ارزیابی نکرده است - "مارتین ال. گراس، نویسنده انجمن روانشناسی

"دکتر بوث متقاعد شده است که **فروید** «درجه قابل توجهی از زنا نگی» را در شخصیت خود به نمایش گذاشته است، خصیصه ای که کل حرفه را با تبدیل کردن دکتر فروید «مضطرب عصبی» به یک الگو تبدیل کرده است... این نیا زهای محرک در روان میلیون ها نفر نفوذ کرده است. از افراد نیز، و بسیاری از شخصیت های ما را در تصویر او بازسازی می کند. فروید با ارائه کاتالوگ ناتوانی های خود به عنوان نمادهای عادی بودن، به جاودانگی دست یافت ...

پرتره ای «یاتصویری» که نمایان می شود مردی است که توسط خشم خصومت و حسادت برانگیخته شده است، افسردگی، آرزوهای مرگ، فوبیایا و روان رنجورهای شدید ناتوان کننده. او به دلیل پنهان کاری و زودباوری شدید خود - نقطه مقابل یک مرد علم - تحریف شد. فروید مرد بیشتر فیلسوف ناراضی است تا محقق بی باک که جامعه فکر می کرد کلید رفتار گیج ما را با ز می کند - .

نویسنده یهودی مارتین ال. گراس و دکتر هارولد ام ووات، روانپزشک فرویدی در بنیاد میننگر استتلی روتمن، در مقاله ای با عنوان گروه خیال پردازی و رادیکالیسم یهودی

که در شماره پاییز 1978 مجله تاریخ روان منتشر شد، می‌گوید: «شکی نیست که انگیزه زیاده‌برای کشف روانکاوی ناشی از خصومت عمومی فروید با مسیحیت است.

.. ساندور فرنسی، روانکاو، بیانیهای از فروید را در سال 1932 گزارش می‌کند که از بیماران به عنوان «خروش» یاد می‌کند و «فقط برای کسب درآمد و مطالعه مفید است». از سال 1884 به بعد، فروید در واقع یک فروشنده روغن مار بود. او سپس شروع به آزمایش کوکائین کرد... میشل اونفری، نویسنده‌ای که در سال 2010 یک تک‌نگاری جامع و انتقادی درباره فروید نوشت، مرگ‌های ناشی از تشخیص اشتباه فاحش او را مستند کرد... روان‌درمانی مجموعه‌ای از تکنیک‌هایی بود که از همکاران قبلی برداشته شده بود، همراه با دوز سنگینی از تثبیت‌های جنسی که بیشتر آنها طبیعتاً یهودی بودند... به زودی فروید با استفاده از روش علمی، شروع به حدس زدن کرد که بیشتر مشکلات بیماران ماهیت جنسی دارند ...

فروید آشکارا شهوت ادیپی را تجربه کرد... سپس دچار این توهم شد که نابهنجاری او عادی و جهانی است... فروید به همکارش کارل آبراهام گفت که «بسیاری از ما یهودی هستیم. من نمی‌خواهم روانکاوی به یک امر ملی یهودیان تبدیل شود.... یشایاهو لیووویتز، استاد فلسفه اسرائیلی، از این هم‌فراتر رفت و معتقد بود که روانکاوی فروید «در درجه اول یک طرح پولساز یهودیان بود» و این «نشانه بدی برای (ما) یهودیان» است. او در ادامه گفت که روانکاوی «کاملاً در دست یهودیان» است و «مصائب و صف ناپذیری را برای میلیون‌ها نفر به ارمغان آورده است.»

- **ریچارد بویدن**، در مقاله‌ای که به گفته او تا حدی بر اساس رساله تبعیدیان از تاریخ دیوید مک کالدن است، به یادداشت پایانی [iii] مراجعه کنید. نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد این حرفه به دنباله‌ای مریدی از حقه‌بازی فرویدی آلوده شده است.

توهم جنسی «The Sex Delusion»:

علاوه بر این، **فروید** و حامیان مالی او این مفهوم را ترویج کردند که ارگاسم برای سلامتی ضروری است. چنین روایات فرویدی در این فرهنگ کنونی تحت سلطه جنسی زیاد شده است، و بنابراین، برخی از مردم این تصور را دارند که هر چه رابطه جنسی بیشتر باشد، برای سلامتی و رفاه آنها بهتر است.

همه ما اختیار داریم که انتخاب‌های شخصی خود را انجام دهیم، با این حال، به نظر من این ادعای فروید نیز مبنای علمی ندارد. در این رابطه به کتابی با عنوان بهره مغزی توسط نویسنده، رهبر دانشگاهی و معنوی آمریکایی، دکتر دین هولتزمن، معروف به داناویر گوسوامی اشاره می‌کنم. این کتاب شواهدی را ارائه می‌کند که برعکس است -

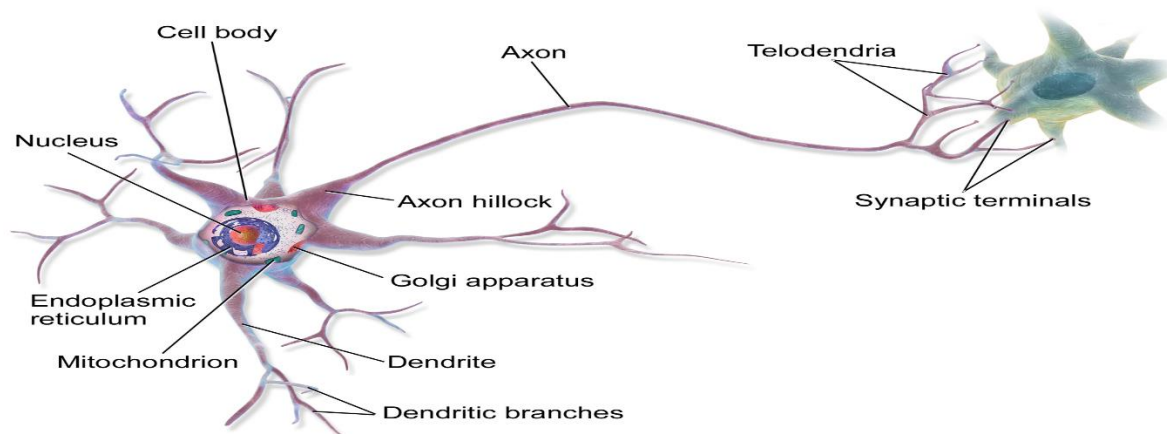
اینکه زیاده روی در رابطه جنسی می‌تواند منجر به اختلالات سلامتی، از جمله اختلالات عصبی، از طریق از دست دادن مایعات حیاتی بدن شود. با منابع پزشکان ادعا شده است که هدر دادن مایعات حیاتی بدن باعث کاهش نشاط و ایمنی می‌شود زیرا شامل از دست دادن پروتئین های گرانبها، لیپوئیدها، کلسترین و مواد معدنی می‌شود.

چنین ذکر شده است که ده ها نابغه در طول تاریخ به همین دلیل تجرد را انجام دادند، از جمله فیثاغورث، افلاطون، ارسطو، بتهوون، سر اسحاق نیوتن، لئوناردو داوینچی، میکل آنژ، پاسکال، اسپینوزا، کانت، ثورو، هندل، شوپنهاور، نیچه، سیدیس، تسلا که همه زندگی مجردی داشتند تا انرژی جنسی خود را به رشد فکری تبدیل کنند. در حوزه معنوی، عیسی مسیح، سوکادووا گوسوامی، انبیا الیا س و الیشع، یحیی با پتیست و بسیاری دیگر مجرد بودند. زنان پاکدامن که شهرت فراوانی دارند عبارتند از: جوان د آرک، ملکه الیزابت اول، فلورانس نا یترینگل، دراپادی، سیتا، سنت ترزا، امیلی دیکنسون، میرابای، سنت کاترین، مادر ترزا و مریم باکره.

آگوست کنت، فیلسوف فرانسوی، "کنترل مؤثر انگیزه جنسی همیشه به عنوان عالی ترین آزمون خرد بشری تلقی می‌شود".

همچنین توجه داشته باشید که کلسترول یک ماده حیاتی در مغز است. در واقع مغز بالاترین میزان کلسترول را در بین اعضای بدن دارد. بیشتر کلسترول مغز در آکسون های سلول های عصبی وجود دارد. طبق یک مطالعه در سال 2014 با عنوان کلسترول در بیماری های مغزی:

گاهی اوقات تعیین کننده و اغلب دخیل است، به یادداشت پایانی [iv] مراجعه کنید. کلسترول برای فیزیولوژی عصبی ضروری است، چه در دوران رشد و چه در بزرگسالی... نقص در متابولیسم کلسترول مغز ممکن است به سندرم های عصبی کمک کند



یک سلول مغز

معمولاً در ورزش بوکس نیز شناخته شده است که یک مبارز برای حفظ قدرت خود، نباید قبل از مبارزه رابطه جنسی داشته باشد. به نظر می‌رسد علم معتبری در پشت این دستورالعمل وجود دارد. اگر تحقیقات مفصل در *Brain Gain* را بپذیریم، پس ادعای رایج **فروید** به احتمال زیاد منجر به افزایش مشکلات سلامت روانی شده است! آیا ممکن است که **فروید** در واقع فردی باشد که دارای یک اختلال روانی است؟ چرا او مجبور شد تا بی پایان از انحراف صحبت کند؟ کارل یونگ، روانپزشکی که روانشناسی تحلیلی را پایه گذاری کرد، به موارد زیر اشاره کرد:

فروید هرگز از خود نپرسید که چرا مجبور است مدام در مورد رابطه جنسی صحبت کند، چرا این عقیده او را درگیر کرده است. او غافل ماند که یکنواختی او در تفسیر بیانگر فرار از خودش است...» - کارل یونگ، روانپزشک.

کار **فروید** همچنین وارونگی ارزش‌های اصیل مسیحی و ارزش‌های سنتی است که هزاران سال در سراسر جهان وجود داشته است، از جمله ارزش‌های فرهنگ‌های ودایی باستان...» .

بدن برای زنا نیست... از زنا فرار کنید... هر که زنا می‌کند به بدن خود گناه می‌کند. جی؟ آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدسی است که در شماست و از خدا دارید و مال خود نیستید؟) - «کتاب مقدس: کتاب اول قرن‌تین 13، 18، 19» .

پس پیوند زن و مرد به منظور تولید مثل، خیر طبیعی ازدواج است ولی کسی که از این خیر سوء استفاده کند، کسی که از آن به شکل حیوانی استفاده کند، تا مقصودش ارضای شهوات باشد - «سنت آگوستین، قدیس مسیحی»

عمل پاکدامنی توسط مسیح توصیه می‌شود، با الگوی او تعلیم داده می‌شود و توسط رسولان به کار می‌رود - «سنت فرانسیس، سنت مسیحی» .

زنا و زنا به دلایلی حرام است. اولاً چون روح را از بین می‌برند؛ کسی که زناکار باشد، زیرا حماقت قلبش جان خود را هلاک خواهد کرد... یعنی هرگاه جسم بر روح تسلط پیدا کند... ثالثاً، این گناهان جوهر او را می‌سوزاند، همان طور که برای پسر اسراف در آن «هدر دادن» اتفاق افتاد. ماده او آشوبگرانه زندگی می‌کند - «سنت توماس آکویناس، قدیس مسیحی» .

وقتی از *veerya* [مایع حیاتی] استفاده نمی‌شود، همه آن به اوجاس ساکتی یا انرژی معنوی تبدیل می‌شود و در مغز ذخیره می‌شود.. از دست دادن شدید این مایع از دست دادن حافظه، پیری زودرس و بیماری‌های عصبی مختلف ناشی می‌شود - عالیجناب سری سوامی سیواناندا .

در زمان ودایی، رابطه جنسی برای تولید مثل بود، نه تفریح... بهتر است به یاد داشته باشیم که اجداد به اصطلاح بدوی ما توسط رسانه‌های جنون‌آمیز پر از زوایای جنسی پنهان و آشکار شستشوی مغزی داده نشده‌اند... به غیر از تولید مثل مقدس، نهاد ازدواج برای ارضای میل جنسی بدنی در یک قانون تنظیم شده بود، روش مذهبی این به تدریج به هر دو زوج کمک می‌کند تا به بیهودگی تمام لذت‌های بدنی پی ببرند و به یکدیگر کمک کنند تا با هم در سفر به کریشنا (خدا) پیشروی کنند - چایتانیا چاران داس، نویسنده :

برخلاف فرهنگ جنسی مدرن، متون مقدس اصلی به ما اطلاع می‌دهند که رابطه جنسی باید فقط برای خلق کودکان باشد. علاوه بر این، و به طرز غم‌انگیزی، به نظر می‌رسد فرهنگ دیوانه‌وار ارضای نفسانی در دوران مدرن، ارزشمندترین قوه ما - خود عشق - را تنزل داده است. مردان و زنان جوان چگونه می‌توانند در چنین فضایی مسیری پایدار پیدا کنند؟ زودگذر بودن همه اینها احتمالاً یک خلأ در قلب باقی می‌گذارد.

برای مثال، در فرهنگ‌های ودایی باستان، مردان جوان تا سن 25 سالگی به عنوان برهماکار یا آموزش می‌دیدند. و متخصص شدن در یادگیری، هنرهای نظامی، مدیریت، مشاوره معنوی و غیره با توجه به خصوصیات فردی هر فرد با تجرد ماندن تا سن 25 سالگی، مردان از نظر جسمی و فکری قوی‌تر می‌شوند نه ضعیف‌تر - انرژی آنها برای هرزگی و رابطه جنسی بیهوده هدر نمی‌رود. در آن زمان بسیاری از مردان ازدواج می‌کردند و رابطه جنسی فقط در آن زمان به منظور تشکیل خانواده (آگاه از خدا) بود - این کار بی‌ضرر نبود. فرهنگ ودایی همچنین از عادات غذایی خاصی برای جلوگیری از تحریک میل جنسی استفاده می‌کند، برای جزئیات بیشتر به [v] Endnote مراجعه کنید.

سیاست آب و هوایی شیر - به دنبال رزق و روزی برای یک مغز سالم

The Climate Politics of Milk – Seeking Sustenance for a Healthy Brain

در زمان‌های قدیم، گاوها مورد احترام بودند و غذای معجزه‌آسا شیر سرشار از کلسترول با کیفیت بالا را با تمام مواد مغذی مورد نیاز بدن انسان فراهم می‌کردند که برای مغز و تفکر عالی مفید بود. برهمن‌ها و حکیمان باستانی تنها با شیر می‌توانستند زندگی کنند تا به امروز، در طب آیورودا قیمة، که از شیر تهیه می‌شود، برای بهبود حافظه و کاهش تنش ذهنی استفاده می‌شود. هزاران سال است که بشر شیر خام می‌نوشید - هرگونه ناخالصی را می‌توان با جوشاندن آن قبل از نوشیدن آن از بین برد و این بهترین راه برای نوشیدن شیر است. گاوها واکسینه نشده‌اند و شیر فرآیند پاستوریزاسیون مدرن تخریب‌کننده آنزیم را طی نکرد که می‌تواند هضم شیر را برای برخی افراد سخت‌تر کند. بر فرهنگ

های باستانی در سرتاسر جهان، گاوها به عنوان کالاهای تجاری صرف برای فروش و استثمار در نظر گرفته نمی شد ند، بلکه آنها بخشی ضروری از یک جامعه کارآمد بودند.

پرورش لبنیات تجاری امروزی می تواند شامل استفاده از هورمون های رشد، مواد شیمیایی مصنوعی، آفت کش ها در مزرعه، واکسیناسیون گاوها، GMOs و غیره باشد و به نظر من شیر برای آن کیفیت پا بین تری دارد. ما حداقل 5000 سال است که شیر خام مصرف کرده ایم، اما امروزه در کشورهای مختلف فروش یا تولید شیر خام غیرقانونی است - به عنوان مثال، این مورد در کانادا، تحت مقررات غذا و دارو از سال 1991 وجود دارد. همچنین یادآوری می کنم که در ایالات متحده، در سال 2011، قاضی پاتریک جی. فیدلر، یک حکم غیرعادلانه حیرت انگیز صادر کرد، جایی که او قضاوت کرد: «نه، شاکیان حق اساسی برای تولید و مصرف غذاهای دلخواه شما ندارند... بحق قرار داد با کشاورز... حقی نیست. داشتن یک گاو.» سه هفته بعد، او از سمت خود به عنوان قاضی استعفا داد و به یک شرکت حقوقی ملحق شد که نماینده مونسانتو، تولیدکننده اصلی هورمون های رشد rBGH برای گاوهای شیری تجاری است، به Endnote [vi] مراجعه کنید. در پاسخ به چنین بی عدالتی، برخی از شهرها در ایالات متحده ابتکارات مربوط به حاکمیت غذایی را تأیید کرده اند که به تولیدکنندگان مواد غذایی اجازه می دهد بدون دخالت فدرال یا ایالت، غذا بفروشند.

همچنین به طرح فعلی الهام گرفته از سازمان ملل که توسط وزارت کشاورزی ایرلند و آژانس حفاظت از محیط زیست ایرلند بیان شده است، برای کشتن 200000 گا و شیرده در ایرلند در تلاشی فریبکارانه برای متوقف کردن تغییرات آب و هوایی ساخته دست بشر اشاره می کنم. واقعیت این است که انتشار متان از گاوها باعث تغییر آب و هوا نمی شود. همچنین به کتاب فراتر از فریب آب و هوا به سوی پایداری واقعی مراجعه کنید.

کشاورزان و گروه های مستقل زیادی در ایرلند وجود دارند که این را می دانند، اما به نظر می رسد دولت ایرلند تمام بحث های مربوط به تغییرات اقلیمی را متوقف کرده است و به نظر می رسد برای هر گاو کشته شده در این یورش روانی، 5000 یورو (5622 دلار) پرداخت خواهد کرد. روان پریشی به عنوان یک حالت روانی حاد یا مزمن تعریف می شود که با از دست دادن تماس با واقعیت مشخص می شود.

چه چیزی باعث افسردگی می شود؟ پیوند بین مسمومیت در بدن و مسائل مربوط به سلامت روان

What Causes Depression? Links Between Toxicity in the Body and Mental Health Issues

من پزشک نیستم، من اینجا نیستم تا توصیه های پزشکی ارائه دهم، این مقاله صرفاً بر اساس تجربه و تحقیقات اولیه من است، با این حال من به سخنان توماس ساسز،

پروفسور بازنشسته روانپزشکی (1920-2012) که بیشتر به خاطر ابداع اصطلاح "افسانه بیماری روانی" وی بیان می کند :

هیچ رفتار یا رفتار نادرست بیماری نیست یا نمی تواند بیماری باشد. بیماری‌ها این نیستند..... همه بیماری‌های روانی بیماری‌های استعاری هستند که به اشتباه به عنوان بیماری واقعی معرفی می شوند و با بیماری‌های واقعی اشتباه گرفته می شوند.

« آیا Szasz در تحلیل خود درست بود؟ برای ده ها میلیون نفر داروهای بیودارویی تجویز می شود تا به اصطلاح مسائل مربوط به سلامت روان را برطرف کنند مانند افسردگی، اضطراب و غیره. با این حال، به نظر من این گونه داروها علت اصلی چنین مسائلی را برطرف نمی کنند. علاوه بر این، به نظر می رسد که هیچ کس واقعاً نمی داند دقیقاً چه چیزی باعث افسردگی می شود. ما در مورد عواملی مانند عدم تعادل بیوشیمیایی، استرس و استعداد ژنتیکی می شنویم، اما مبنای علمی کجاست؟ آیا ممکن است دلیل دیگری وجود داشته باشد که توسط این حرفه تایید نشده باشد؟ عوامل محیطی چطور؟

در نظر بگیرید که جهانی شدن صنعتی مواد بسیاری را تولید کرده است که به عنوان آلاینده ثبت شده اند، از جمله هزاران ترکیب شیمیایی جدید مصنوعی، سموم، نانوذرات و ارگانسیم های اصلاح شده ژنتیکی (GMOs) که نقض اصل احتیاط علمی هستند بر طول ده ها هزار سال گذشته، بدن انسان هرگز در معرض این مواد جدید قرار نگرفته است، بنابراین ما از اثرات طولانی مدت آن اطلاعی نداریم. ابزارهای حقوق محیط زیست سازمان ملل متحد تا حد زیادی در حفاظت از سلامت و طبیعت انسان در برابر مقیاس وسیع آلودگی های تکنولوژیکی شرکت ها ناتوان هستند. در عوض، سازمان ملل بر تغییرات آب و هوایی ساختگی انسان به دلیل CO2 و متان گاو تمرکز می کند، دستور کار، به این مقاله مراجعه کنید .

متذکر می شوم که افسردگی با تکثیر سمومی که در محیط مدرنی که ما در معرض آن قرار داریم، مرتبط است. مطالعه ای با عنوان مواد شیمیایی محیطی و اختلال عملکرد سیستم عصبی که در مجله زیست شناسی و پزشکی Yale منتشر شده است، به Endnote [vii] مراجعه کنید، بیان می کند :

« علت بسیاری از اختلالات عصبی و/یا روانپزشکی مبهم یا کاملاً ناشناخته است. بیماران مبتلا اغلب شکایات غیراختصاصی دارند که به راحتی به عنوان جزئی، موقت، روان تنی، به دلیل استرس و غیره منتقل می شوند. با این حال، همین علائم ظریف ممکن است اولین نشانه های مسمومیت با مواد شیمیایی محیطی و شغلی باشد. جامعه پزشکی باید نسبت به در نظر گرفتن سموم سیستم عصبی به عنوان منبع این علائم غیرقابل توضیح حساس شود و شواهدی برای مواجهه شغلی و محیطی با دید در تشخیص افتراقی بیماری های عصبی گنجانده شود. بسمیت ترکیبات ذکر شده در این بررسی اکنون به خوبی شناخته شده است، اما آنها ممکن است فقط "نوک کوه یخ" را نشان دهند .

قرار گرفتن در معرض فلزات سنگین سمی مانند جیوه، سرب و آرسنیک به عنوان عامل اضطراب و/یا افسردگی شناخته شده است. متون دولتی در مورد سمیت عصبی به ما هشدار می دهند، به عنوان مثال، وب سایت شورای ملی مشاوره اختلالات عصبی و سکنه مغزی ایالات متحده، به [viii] Endnote مراجعه کنید، بیان می کند:

سمیت عصبی زمانی رخ می دهد که قرار گرفتن در معرض مواد سمی طبیعی یا مصنوعی (مواد سمی عصبی) فعالیت طبیعی سیستم عصبی را تغییر دهد. این در نهایت می تواند نوروها (سلول های عصبی) را که برای انتقال و پردازش سیگنال ها در مغز و سایر بخش های سیستم عصبی مهم هستند، مختل یا حتی از بین ببرد. سمیت عصبی می تواند ناشی از قرار گرفتن در معرض مواد مورد استفاده در شیمی درمانی، پرتودرمانی، درمان های دارویی، و پیوند اعضا، و همچنین قرار گرفتن در معرض فلزات سنگین مانند سرب و جیوه، برخی غذاها و افزودنی های غذایی، آفت کش ها، حلال های صنعتی و/یا پاک کننده، لوازم آرایشی و بهداشتی باشد. و برخی از مواد طبیعی".

به نظر می رسد که عامل نورووتوکسیک به ندرت توسط پزشکان یا روانپزشکان در رابطه با سلامت روان و افسردگی در نظر گرفته می شود. این ممکن است به این دلیل باشد که بهداشت محیط معمولاً در آموزش پزشکی آموزش داده نمی شود. برای پیچیده تر کردن اوضاع، خلق افسرده در واقع یک عارضه جانبی رایج داروهای بیودارویی است که برای مبارزه با افسردگی تجویز می شوند، به [ix] Endnote مراجعه کنید.

روانشناسی روح «The Psychology of the Soul»

به یاد داشته باشید که "روان" به معنای "روح" است. به گفته روان درمانگر دکتر نیل ام. گلداسمیت: «پیش از اینکه ویلهلم وونت اولین آزمایشگاه روان شناسی تجربی را در سال 1879 افتتاح کند، هیچ رشته دانشگاهی روان شناسی جدا از فلسفه و زیست شناسی وجود نداشت.

شاید با یاد حداقل برای مدتی بیشتر همینطور می ماند.»

در خاتمه، به نظر من روانپزشکی امروزی یک علم جعلی است و برای سلامتی ما باید دوباره «علم روح» واقعی را در آغوش بگیریم. این فقط می تواند برای ما مفید باشد که هویت واقعی خود را به عنوان یک روح ابدی - به عنوان فرزندان خدا - به خاطر بسپاریم، این علم خودشناسی است. تندرستی وضعیت روانی طبیعی روح خداآگاه است و با وجود شرایط بیرونی، خود روح هرگز تحت تأثیر موقتیات بیرونی قرار نمی گیرد. بر این درک، خود از بیماری های روانی این دنیای پر از هرج و مرج، علم جعلی، و طمع مصون می ماند. علاوه بر این، یک موضوع مشترک در متون مقدس مسیحی و متون مقدس ودایی باستانی این است که خداوند از فداییان مخلص خود محافظت می کند.»

ما می دانیم که فرزندان خدا مرتکب گناه نمی شوند، زیرا پسر خدا آنها را ایمن نگه می دارد و شریر نمی تواند آنها را لمس کند - «یوحنا 5:18»
نقل قول در مورد شبه علم روانپزشکی .

این شخصیت اعلای الوهیت ، کنترل کننده عالی ، عالی ترین پرستش پذیر، دانا، کاملاً مصمم، کاملاً مجلل، نماد بخشش، محافظ ارواح تسلیم شده ، بخشنده، وفادار به وعده اش است «ارادت توسط سریلا پرابهوپادا، رهبر معنوی در سنت ویشنویسم ودایی

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

مارک کینان دانشمند سابق وزارت انرژی و تغییرات آب و هوایی دولت بریتانیا و بخش محیط زیست سازمان ملل است .او یکی از همکاران پژوهشی مرکز تحقیقات جهانی شدن (CRG) است .

[i] Source: <https://www.irishtimes.com/opinion/letters/psychiatry-and-society-1.545412>

[ii] Source: <https://www.citizensinformation.ie/en/health/health-services/mental-health/admission-to-a-psychiatric-hospital/>

[iii] Source: <https://boydenreport.com/2021/09/03/sigmund-fraud-the-father-of-modern-psychoanalysis-and-gay-anti-christ-jewish-neurotic-charlatan/>

[iv] Source: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4253844/>

[v] رژیم غذایی ودایی که به آن اشاره شد شامل پرهیز از گوشت، ماهی، تخم مرغ، سیر، پیاز، الکل، قهوه، چای و تنباکو است که همگی محرک های تقویت جنسی هستند توجه داشته باشید که میکل هیندیده (1862-1945)، متخصص تغذیه دانمارکی (1862-1945)، اظهار داشت: «ما باید نتیجه بگیریم که رابطه جنسی در تظاهرات عادی خود در بین انسان های متمدن محصول غریزه طبیعی نیست که عموماً تصور می شود، بلکه یک واکنش شیمیایی برانگیخته یا شرطی است .(به معنای پاولوف) در پاسخ به تحریک قوای جنسی توسط غذاها و نوشیدنی ها، به ویژه پروتئین های حیوانی، الکل، قهوه و همچنین تنباکو برانگیخته می شود .این واکنش گرمسیری، در هر دو جنبه فیزیکی و روانی، در معرض کنترل داوطلبانه از طریق رژیم غذایی است، یک رژیم غذایی گیاهی با قلبیایی تشکیل دهنده و پروتئین کم آن را کاهش می دهد، در حالی که یک رژیم غذایی پر پروتئین تشکیل دهنده اسید باعث افزایش آن می شود .

[vi] Information on the Fiedler Ruling is available at <http://axley.com/patrick-j-fiedler>

[vii] THE YALE JOURNAL OF BIOLOGY AND MEDICINE 51 (1978), 457-468

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC2595611/pdf/yjbm00133-0026.pdf> referenced in the article A dangerous link: Toxic chemicals and depression <https://phlabs.com/a-dangerous-link-toxic-chemicals-and-depression>

[viii] Source: <https://www.ninds.nih.gov/health-information/disorders/neurotoxicity>

[ix] This is described in an article by health care professionals at <https://phlabs.com/are-your-meds-creating-your-depression-be-proactive>

یادداشت اینجانب مترجم این مقاله : باید متذکر شد که نویسنده این مقاله در رد نظریات فروید کار متمر را انجام داده و جعلی بودن سیکالوژی را توضیح و تفسیر کرده ؛ اما شماری از استدلال و دلایل آن بیشتر جنبه ذهنی و یا ایدیا لیستی دارد که بنیاد علمی ندارد و با آوردن مثال های ذهنی و توهمی واید یا لیستی خواسته است که اتکای بیشتر داشته باشد که این خود اساس علمی ندارد پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

----- **با تقدیم احترامات «2023-08-07»**